



شماره ثبت: ۳۱۶۷

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۳	نوحه برای میت
۳	مرور بر گذشته
۳	روایت هفتم:
۳	بررسی روایت از لحاظ سند
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۴	نتیجه
۴	روایت هشتم
۴	بررسی روایت از لحاظ سند
۴	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۵	روایت نهم
۵	بررسی روایت از لحاظ سند
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۶	روایت دهم
۶	روایت یازدهم
۶	بررسی روایت از لحاظ سند
۷	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۷	روایت دوازدهم
۷	بررسی روایت از لحاظ سند
۷	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۸	روایت سیزدهم
۸	بررسی روایت از لحاظ سند
۸	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۸	روایت چهاردهم
۹	روایات مستدرک الوسائل
۹	روایت اول



شماره ثبت: ۳۱۶۷

- ۹ روایت دوم
- ۹ روایت سوم
- ۹ روایت چهارم
- ۹ روایت پنجم
- ۱۰ روایت ششم
- ۱۰ دسته بندی روایات



نوحه برای میت

مرور بر گذشته

بحث در نوحه علی المیت بود. نوحه علی المیت عبارت است از شیون و عزاداری. این بحث روایاتی دارد که در باب ۱۷ ابواب مایکتسب به وجود دارد. تا روایات ششم را عرض کردیم. یک گروه روایات مجوزه وجود داشت (روایات اول و دوم که سنداً و دلالتاً تام بود). یک گروه، روایات مانعه بود (روایت چهارم و پنجم که از لحاظ دلالت تام بودند و از لحاظ سند تام نبودند). یک گروه نیز قائل به تفصیل بود. (روایت سوم از این گروه بودند).

روایت هفتم:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا بَأْسَ بِأَجْرِ النَّائِحَةِ الَّتِي تَتَوَخَّ عَلَى الْمَيِّتِ.»^۱

امام (ع) می‌فرماید مزدی که نائحه در قبال شیون و زاری دریافت می‌کند مانعی ندارد.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت در دو سند، در سه کتاب از کتب اربعه آمده است. این روایت، سند معتبری دارد. نقطه‌ی ابهام و اشکالی در سند ندارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

مدلول مطابقی روایت همان نفی اشکال از مزد نائحه است. حکم اولی که از این روایت استفاده می‌شود این است که اکتساب به نائحه مشکلی ندارد. این حکم اولی مستلزم حکم ثانوی است که صحت معامله است. حکم ثانوی نیز مستلزم حکم سوم است. صحت معامله مستلزم جواز تکلیفی عمل است.

در نتیجه سه حکم در این روایت وجود دارد. این روایت دلالت کاملی دارد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۷.



شماره ثبت: ۳۱۶۷

نکته‌ای که باید توجه داشت این است که مدلول التزامی گاهی زنجیره‌ای است. مادامی که مدلول التزامی ظهور عرفی داشته باشد، اشکالی ندارد. در اینجا نیز حالت زنجیره‌ای است. این مدلول التزامی بر روی حکم تکلیفی آمده است. این مستلزم صحت معامله است و صحت معامله نیز مدلول درست بودن عمل است. از لحاظ عرفی هم مدلول مطابقی و هم مدلول التزامی معتبری وجود دارد.

نتیجه

از این روایت جواز به معنا اعلام استفاده می‌شود. البته باید دانست که از این روایت رجحان استفاده نمی‌شود. این روایت جزء روایت مجوزه است. این روایات تاکنون سند و دلالت تامی داشتند.

روایت هشتم

«وَعَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ كَسْبِ الْمُغْنِيَةِ وَ النََّائِحَةِ فَكَرِهَهُ.»^۱

از کسب مغنیه و نائحه سؤال کردم و امام (ع) این را بد دانست.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت، شاید تنها روایتی باشد که در طایفه مانعه، قابل قبول است. تنها چیزی که شاید مورد اشکال واقع بشود این است که می‌فرماید «سألته» معلوم نیست که از امام (ع) سؤال کرده باشد. چیزی که در اینجا پاسخ داده می‌شود این است که روایتی مثل سماعة که کثیرالروایت است، از غیر امام (ع) بعید است نقل نکنند.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

اینجا نیز بحث کسب است. اگر بگوییم کسب جایز نیست، عمل نیز جایز نیست. این از همان باب ملازمه است.

نکته مهم در این روایت این است که عبارت «کرهه» دارد. این در دو سه روایت دیگر همین تعبیر آمده است. «کرهه» محل اختلاف علما است. یک احتمال در «کرهه» این است که در مقابل حرمت است. احتمال دوم این است که «کرهه» استعمال مستحدث فی

۱- همان، ص ۱۲۸.



شماره ثبت: ۳۱۶۷

کلمات الفقها است. وقتی این تعبیر در روایات استفاده می‌شود باید بر معنای لغوی آن استناد کرد که همان ناشایست و مکروه است. ظهور اطلاقی ناشایست نیز حرام است مگر اینکه قرینه‌ای داشته باشد. احتمال سومی نیز وجود دارد که «کره» یک معنای عام داشته باشد که هم شامل مکروه و حرام بشود. البته همان احتمال دوم اظهر است که معنای حرمت می‌دهد.

روایت نهم

این روایت مرسله جازمه مرحوم صدوق است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ ع لَا بَأْسَ بِكَسْبِ النَّائِحَةِ إِذَا قَالَتْ صِدْقًا.»^۱

امام می‌فرمایند اکتساب به نائحه ایرادی ندارد در صورتی که راست بگوید.

در این روایت نوعی تفصیل وجود دارد. این روایت نیز مثل روایت ششم، قید دارد.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت، مرسله جازمه صدوق است. مراسلات صدوق بر دو قسم است. یک عده از مراسلات صدوق غیر جازم است که در اول می‌گوید «روی». نوع دوم مراسلات جازم است در این مراسلات می‌فرماید «قال». در غیر جازم، فعل مجهول است. در این مراسلات سه قول وجود دارد:

۱. مطلقاً معتبر است.

۲. مطلقاً معتبر نیست.

۳. مراسلات جازم مرحوم صدوق (ع) قابل اعتبار است و غیر جازم، اعتباری ندارد.

ما قائل به نظریه دوم هستیم.



شماره ثبت: ۳۱۶۷

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت با ملازمه، دلالت می‌کند. البته قیدی دارد که اگر صدق بگوید. این قید نبود نیز قواعد اقتضای قید را می‌کرد.

روایت دهم

این روایت نیز مرسله صدوق است.

«قَالَ وَ سُنِّلَ الصَّادِقُ ع عَنْ أَجْرِ النَّائِحَةِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ قَدْ نِيحَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص.»^۱

این نیز از مجوزات نائحه است. حتی تأکید در آن شده است.

در این روایت دلالت اوضعی نسبت به روایات قبلی دارد.

این روایت نیز از مراسلات جازم صدوق است. از دید ما اعتباری ندارد.

روایت یازدهم

«وَ يَأْسَنَادُهُ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي نَهَى عَنِ الرِّثَّةِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ نَهَى عَنِ النَّيَاحَةِ وَ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهَا وَ نَهَى عَنْ تَصْفِيْقِ الْوُجْهِ.»^۲

بررسی روایت از لحاظ سند

از لحاظ سند، ضعیف است. شعیب بن واقد دارای مشکل است و ضعیف است.

۱- همان.

۲- همان.



بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت حضرت از نائحه منع کرده‌اند. در این روایت «نهی» آمده است و دلالت بر حرمت دارد. در این روایت استماع نیز نهی شده است.

روایت دوازدهم

«وَفِي الْخِصَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعَةٌ لَا تَزَالُ فِي أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - الْفَخْرُ بِالْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالِاسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ وَالنِّيَاحَةُ وَإِنَّ النَّائِحَةَ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تَقُومُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَ عَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَ دِرْعٌ مِنْ حَرَبٍ»^۱

در این روایت پیامبر (ص) می‌فرماید چهار چیز تا قیامت باقی می‌ماند. یکی از آن‌ها نیاحه است. اگر قبل مرگ کسی توبه نکند، دارای عقاب است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند معتبر نیست. فارسی، توثیق ندارد، جعفر بصری نیز توثیق ندارد. عبدالله نیز توثیق ندارد. البته حسین بن زید در خانه حضرت بزرگ شدند.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

ظهور روایت در حرمت مطلق است. یعنی کسی که نیاحه می‌کند در روز قیامت دارای عذاب است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۹.



روایت سیزدهم

«عَلَى بْنِ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النَّوْحِ عَلَى الْمَيِّتِ أَيْضَلُّهُ قَالَ يَكْرَهُ.»^۱

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از کتاب علی بن جعفر آمده است. دو کتاب از علی بن جعفر دارای سند معتبری است. اما کتابی که دست شیخ و قبل از آن حر عاملی بوده است، تردید وجود دارد که آیا این کتاب همان کتاب نجاشی است. مسئله کتاب در عصر جدید با یک قرن قبل خیلی متفاوت است. در قرن اخیر، کتاب باعث اطمینان است. چون تیراژ وسیعی وجود دارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت باز «یکره» آمده است که همان بحث مذکور است.

روایت چهاردهم

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النَّوْحِ فَكَرِهَهُ.»^۲

در این روایت نیز کراهت را بیان می‌کند.

۱- همان.

۲- همان.



شماره ثبت: ۳۱۶۷

روایات مستدرک الوسائل

روایت اول

«فَقَهُ الرِّضَا، ع وَلَا بَأْسَ بِكَسْبِ النَّائِحَةِ إِذَا قَالَتْ صِدْقًا.»^۱

این روایت سند ندارد ولی از مجوزه است.

روایت دوم

سند ندارد ولی جزء مانعه است.

روایت سوم

روایت سوم نیز سند ندارد و جزء مانعه است.

روایت چهارم

روایت چهارم سند ندارد و جزء مانعه است.

روایت پنجم

روایت پنجم سند ندارد و جزء مانعه است.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۸۷.



شماره ثبت: ۳۱۶۷

روایت ششم

روایت ششم سند ندارد و جزء مانعه است.

دسته‌بندی روایات

این بیست روایت از چند منظر دسته‌بندی می‌شوند. از لحاظ یک منظر به سه قسمت تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. گروه اول مجوزه است: در وسائل الشیعه: روایت اول، دوم، هفتم، نهم، دهم و در کتاب مستدرک الوسائل، روایت اول. از این شش روایت، سه روایت با سند معتبر داشت.

۲. گروه دوم، روایات تفصیل است: در وسائل الشیعه، روایت ششم، نهم از این گروه هستند. هیچ‌کدام معتبر نیستند.

۳. گروه سوم، روایات مانعه هستند: روایت چهارم، پنجم، هشتم، یازده، دوازده، سیزده، چهاردهم از وسائل الشیعه و روایات دوم و سوم، چهارم، پنجم در مستدرک الوسائل وجود دارد. روایت هشتم معتبر بود.

اگر روایات در حد یک تعدد داشته باشد ما آن را می‌پذیریم، البته شرطی داشت که نباید از موضوعات معارضه باشد.